

چنان خواستارم که اگر زاتی نگردد باصلاح کوشند و سلاح جدال و اعتساف نپوشند چه باندازه مرتبه وجود بال گشاده ام و پای از گلیم خویش فراتر نهاده که گنجشک چون شهباز اوج نگیرد و خاک هم چون مهر تابناک برتری نپدیدد مرا در اینمقام پوزش رواست و بخردان را قبول سزا در خانمه گفتار از ایزد دا دار در این کار مهم استمداد نمایم و باب تضرع و ابتهال بساحت اقدسش گشایم اوست عالم و دانا و مقتدر و توانا !!!

ع . ح . اشراق خاوری

تاریخ علم فراست

علم فراست در نزد اعراب قسمتی از علوم طبیعی به شمار است که بدینوسیله از هیئات ظاهره انسان مانند الوان و اشکال و اعضاء باخلاق باطنیه و صفات روحانیه وی پی میبرند .

و بطور اختصار فراست استدلال از هیئت و خلقت ظاهر است باخلاق و طبیعت باطن ::

علمای اروپا علم مذکور را بزبان خود « فیزیونومی Phyzionomy نامند اصل این لغت یونانی و مرکب از دو لفظ است که معنی و مفاد آن دو باهم به « قانون و قاعده طبیعت » تعبیر میشود و در این فن مراد به لفظ مذکور استدلال از ظواهر جسم و بدن انسانی است بر اخلاق و قوای نفسانیه وی !!!

علم فراست از دیر زمانی اثبات وجود خود نموده چنانچه هومیروس شاعر شهیر یونان ده قرن قبل از میلاد مسیح بعضی از قواعد علم مذکور را (علم کف) تدوین و مکتوب ساخت اگر چه بعضی از مورخین قضیه تدوین و کتاب هومیروس را در فن مذکور انکار نموده لیکن مهارت ویرا در فن مذکور اعتراف کرده اند و برهان آنان بر مهارت هومیروس در علم

فراست اشعار بستکه وی در وصف « ترستیس » سرانیده و برخی از آن را که « بستانی » از « ایلید » بعربی ترجمه کرده ذیلا مینکاریم .

سفه له قذف الشئام دیدن	و خصومة الحکام اقبیح خطه
وقح تجاوز کل حدو هو ان	پسنضحک القوم استطال ببهجة
لم یرع قط مقامه و عذابهم	خلقا و خلقا شراهل الحملة
هوا کبس وامده اقدع اعرج	و شعوره کادت تعد بشعرة
کتفاه قوسنا اخامل صدره	و بصدره لم یحو غیر ضغينة

و بر آنند که هومیروس در اشعار فوق از اوصاف ظاهره « ترستیس » بر طبایع و اخلاق باطنه وی اشعار و استدلال نموده است ::

بقراط که کنیه وی « ابوالطب » است در « ۴۵۰ » سال قبل از میلاد مختصراً بدین علم اشاره نموده ویرا عقیده چنانستکه عوارض و هیئات خارجی در اخلاق انسانی مؤثر و آثار آن در ملامح و بشره اشکار گردد و نیز « گالینوس اقلودیوس » حکیم مشهور یونانی که در قرن ثانی میلاد زندگانی مینموده است بیاناتی بسیار در علم فراست از وی بیادکار است گروهی دیگر از روی نوشتجات و مکتوباتی که در قرن بیستم قبل از میلاد نوشته شده و اکنون باقی و بر قرار است بر آنند که قدماء مصرین نیز در علم فراست مهارتی بسزا داشته و فن مذکور در میان آنان از علوم متعارفه محسوب و بشمار میرفته است !!!

مورخ مشهور یهود « یوسیفسوس » در تاریخ خود نقل کرده که قیصر را چون نظر بخشونت انگستان و کفین الکسندر افتاد کشف نفاق و عدم موافقت و دورویی وی را بنموده و بعقیده قلبیه الکسندر از آثار جسمانیه وی پی برد !!!

پیش از فیلسوف مشهور یونان ارسطو که در قرن چهارم قبل از میلاد کتابی در علم فراست تدوین نمود علم مذکور از جمله علوم مدونه

و مستقلاً بشمار نمیرفت ارسطو در قرن مذکور علم فراست را در شش فصل تخصیص داد و علاماتی که دال بر قوت و ضعف و هوش و خمودت و زیرکی و جهالت انسانی است در کتاب خود باز نموده و از هیئات و الوان و اشکال موی و اعضا و قامت و آواز انسان‌بینانی ممهد ساخته و از شباهت رخساره انسانی بوجوه حیوانات مسائلی پرداخته و از برای هر یک از انواع حیوان طبیعتی خاصه (چنانچه در ضمن فصول این کتاب نیز بیاید) بیان نموده و هر فردی از انسان که از حیث رخسار شباهتی بحیوان مخصوصی داشته باشد اخلاق آن انسان را قریب بطبیعت آن حیوان دانسته است!!!

کتاب فراست ارسطو در قرون مظلمه ماضیه و ادوار گذشته در میان طوائف مختلفه عالم شهرتی بسزا بدست نمود و گفتارهای وی بلغات متعدده ترجمه گردید و جز او دیگران نیز در این میدان بمسابقه پرداخته و هر یک مؤلفاتی گرد آوردند که ذکر آنان در خور مقام نیست اما اعراب در زمان توحش و جاهلیت عقیده بمطالبتی و اشیائی چند داشتند از قبیل قیافه و ریافه و عیافه که میتوان آنان را از قبیل فن فراست بشمار کرد چه قیافه در نزد آنان صنعت و فنی بود که بدان سبب معرفت باحوال انسانی حاصل نموده انیفن را قیافه البشر مینامیدند زیرا اشخاصیکه دارای این صنعت قیافه بودند بپوشه و پوست و هیئات اعضا و یژه بقدمهای مردمان نگران شده و بدینوسیله بریدوند و نسب آنان آگاهی مییافتند!!!

ریافه عبارت از صنعتی بود که دارای آن از آبی که در بطون زمین مستور بود دیگر آنرا خبر داده و مقدار قرب و بعد او را بیوئیدن خاک زمین و دیدن گیاه ها و حیوانات و مراقبت حرکات آنان معین مینمود!!! عیافه عبارت بود از تعمق در آثاریکه از کف پایها و یا موزه ها و نشانه سمستوران در زمین باقی میماند که از دیدار آنان مطالبی استخراج مینمودند و علم اختلاج «تکان خوردن اعضا» نیز از اینقسم عیافه بشمار است که از نظر

در پیرش و اضطراب اعضاء از سر تا پهای استدلال باموری مینمودند که در آتیه بر انسان وارد خواهد شد!!!

اسلامیان علم فراست را از یونان و رومان همچون علوم دیگر نقل کرده و کتب مستقله در اینفن نگاشتند و برخی از مسلمین علم فراست را از هیئت مستقله باز داشته و در ضمن سایر علوم گنجانیدند مانند «رازی طبیب» که وی فن مذکور را در علم طب جای داد و هموست که کتاب ارسطو را خلاصه کرده و برخی بیانات بر او افزود و همچون ابن سینا و ابن رشد و شافعی و ابن العربی و غیر هم که در ضمن مؤلفات خود بمسائل بسیاری از علم فراست اشاره نموده اند»

بقیه دارد

بقلم جبران خلیل جرمان

سرود جهال

من رهنمای عشق و باده روح و غذای قلب هستم
 من گلی هستم که قلب خود را در آغاز روز گشوده و دختر فوراً
 ان را چیده میبوسد و روی سینۀ خود نصب میکند
 من خانه سعادت و منبع شادی و ابتدای آسایش هستم
 من تبسم لطیفی روی لبهای محبوبه دلربایی هستم که چون چشم
 جوانی بمن افتد رنجهای خود را بکلی فراموش میکند
 من رساننده وحی بشعرا و رهنمای نقاشان و معلم موسیقی دانان
 هستم .

من نگاهی هستم در چشم طفل که چون مادر او را مشاهده می
 کند برای خدا سجده کرده و نماز و شکر میگذارد
 برای ادم در بدن حوا ظاهر شده او را بنده خویش ساختم برای